



گل مریم

سید مجید چشمی

انتشارات امیدمهر

۱۳۸۹

سرشناسه	: چشمی . سید مجید
عنوان و نام پدیدآور	: گل مریم (مجموعه شعر) سید مجید چشمی
مشخصات نشر	: مشهد . امید مهر ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص
شابک	: ۹۷۸ ۶۰۰-۵۰۴۳-۶۴-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ب ۷۱۶ ج / PIR ۱۲۴
رده بندی دیوبی	: ۹ فا ۳/۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۸۲۶۱۹

گل مریم



انتشارات امید مهر

مؤلف: سید مجید چشمی

ناشر: امیدمهر

طرح جلد: مصطفی عابد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه آرای: باغستانی، تلفن ۰۹۱۵ ۵۷۱ ۸۱۰۳

چاپ و صحافی: دقت

شابک: ۹۷۸ ۶۰۰ - ۵۰۴۳ - ۶۴ - ۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

مشهد: بلوار پیروزی - جنب سینما پیروزی - انتشارات امیدمهر

تلفن: ۰۵۱۱ ۸۸۳۴۵۰۴ همراه: ۰۹۱۵ ۱۷۱ ۰۳۶۰

به این بهانه ...

بی مقدمه به همه سلام می کنم . بی مقدمه و خیلی ساده .
 راستش نمی دانم چه باید بگویم و اصلاً حیفم می آید که
 بخواهم در آغاز این دفتر که اولین سروده هایم است - و امیدوارم که
 آخرینش نباشد - بنا را به تطویل کلام گذاشته، سرتان را درد بیاورم.
 همین قدرش کافی است که بدانید مجموعه حاضر اولین مجموعه
 شعرهای حقیر است که طبیعتاً خالی از عیب و نقصان نمی باشد. امید
 آن دارم که بزرگواری نموده عیوب و قصورهای مرا به کرامت خویش
 ببخشایید. خدا را چه دیدید، شاید باری دیگر مرا دیدید با مجموعه ای
 دیگر. اگر او بخواهد ...

و اما بهانه سرودن؛ بهانه ام چه می توانست بود به جز دردهایی
 که بر من گران آمد در وقتش. پیش رو حاصلی است از اوان بهار ۸۸ تا
 نیمه آبان ماه همان سال. تا بدین جای رسید و چنان شد که می بینید،
 آمدند کسانی با من که اگر گرمای وجود آنها نبود، نمی دانم چه باید

پیش می‌آمد؟ بزرگوار استادی که حقیر ورقی از دفتر عمر خویش را در محضر ایشان گذرانیده، افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام و ایشان کسی نیست جز معلمی دلسوز و فداکار، آقای حسین کیخسروی که بی‌منت، من و نوشته‌هایم را تحمل کرد و تصحیح؛ و اگر مودت‌های ایشان و دوست و همراه صبورم آقای احمد ربانی‌خواه و همچنین تمامی عزیزانی که در محضرشان شاگردی نموده‌ام نمی‌بود حال باید پای در وادی نمی‌دانم می‌گذاشتم. پس این ناچیز را تقدیم وجود مبارک این عزیزان و تمامی دوستانم می‌کنم که اگر نفس می‌کشم، می‌خندم و می‌گریم تنها به خاطر آن‌ها و وجودشان در کنارم است. آری، تقدیم به همه آن‌ها و تمامی گل‌های مریمی که اگر دست تطاول خزان روزگار بگذارده‌اند می‌خواهند نفس بکشند، زندگی کنند و زنده بمانند.

سید مجید چشمی

۸۸/۱۱/۱۹